

جوانان و چگونگی گذران اوقات فراغت آنها

اتفاق میافتد و موجب دگرگونیهای اساسی در خانواده و جامعه وسیعی نمیشود برابر آن تلقی کنیم در عصر حاضر ملاحظه میشود که در همان واحد زمان پدیده‌هایی دویاسه یا چهار برابر آن رخ میدهد مثلا سرعت وسائل ارتباط جمعی و نقش صنعت در این تحول با اندازه‌ای زیاد شده است که آنچه امروز در یک گوشه دورافتاده‌ای از جهان اتفاق می‌افتد شب آنرا روی پرده تلویزیون سی‌بینیم یا انعکاس آنرا در مطبوعات ملاحظه میکنیم، پس جوان کنونی این تفاوت را دارد تعداد پدیده‌هایی که او را متاثر میکند با آنچه او را در سال ۱۳۱۰ متاثر میساخت خیلی خیلی وسیعتر و بیشتر شده است. بر همین اساس تفاوت دید بین دونسل خیلی زیاد شده. شکافی که جوان را از پدر و مادر جدا میساخت آنقدر نبود که در حال حاضر بوجود آمده است، به همین علت وقتی پدران و مادران با ما صحبت میکنند مادرالگوی کاملاً متفاوت با نگرش‌ها و گرایشهای کاملاً متفاوت روبرو هستند. متأسفانه آنچه ما کمتر بفکرش هستیم شناخت علمی نوجوانان و جوانان است گاه والدین باین جمله اکتفا میکنند که وقتی مادران سن بودیم هر کاری پدرمان میگفت انجام میدادیم یا اگر از کاری منع میکرد قبول میکردیم، اما متأسفانه در حال حاضر این موضوع قابل قبول نیست، عملی هم نیست اگر در همان موقع یک مطالعه علمی میشد میدیدیم همان پدر مادرها هم با والدین خود مسایلی داشتند منتهی ابعاد مسائل ارتباطی پیش آمده ولی نکته دیگر اینست که نوجوانان امروز با توسعه وسایل تکنیکی

آقای دکتر ابراهیم هاشمی در هفتمین دوره کلاس آموزش توجیهی این سخنرانی را ایراد کردند: بافرارسیدن فصل تابستان یکی از مشکلاتیکه در تمام خانواده‌ها مطرح هست پرکردن ساعات فراغت کودکان و نوجوانانی است که به علت سوقیت سنی خود نقش موثر و مسئولی در خانه ندارند و ناگزیر جامعه هم آنطور که لازمه یک نقش جدی است بآنها نگاه نمیکنند.

پدیده نوجوانی یک پدیده بعدی است که سه بعد آن عبارتست از یک سشت تغییرات بدنی نظیر رشد سریع پیش از دوره بلوغ، برخی تغییرات اساسی بدنی نظیر چگونگی رشد هوشی و تحول عاطفی و دسته‌ای مسائل اجتماعی مانند حالت‌هایی که در اصطلاح روانشناسی به آزادی طلبی یا آزادی خواهی یا عصیان و سرکشی و یا قبول کردن و یا شکستن سنت‌های اجتماعی مربوط میشود.

اما در مجموع ملاحظه میشود که مسئله جوانان مسئله تازه‌ای نیست، همیشه و در همه دوره‌ها مسایل جوانی مطرح بوده‌اند. جوانان و نوجوانان چه از نظر ادبیات چه از لحاظ هنر و نقاشی و مجسمه سازی چه از لحاظ جامعه شناسی و تعلیم و تربیت و بالاخره چه از لحاظ روانشناسی مورد توجه خاص اندیشمندان قرار می‌گرفتند. با وجود این مسئله جوانان و نوجوانان در حال حاضر ابعاد تازه‌ای پیدا کرده دلیل اینست که در حال حاضر زمان و مفهوم زمان بکلی دگرگون شده است، بعنوان مثال وقتی در واحد زمان در ابتدای قرن حاضر بررسی میکنیم اگر تعداد پدیده‌هایی که

سوجود ما شرایط بهداشتی و سلامتی که برای خانواده‌ها بوجوده آمده بگروه بسیار عظیمی مبدل شده‌اند . تقریباً در اکثر کشورهای در حال رشد نسبت در صد گروه سنی جوانان و نوجوانان یک نسبت در صد خیلی بالائی را نشان میدهد و این یک عاملی است که شاید در جامعه ایران در حد ۵۴٪ باشد نوجوان حق حیات دارد می‌خواهد اظهار نظر کند و بلااقل عقاید خود را بصحک آزمایش بگذارد . از سوی دیگر پدیده بهداشت موجب شده که کودکان و نوجوانان در شرایط بهداشتی خوب زنده بمانند، موجب شده که پدران و مادران و نسلهای گذشته که نسلهای نه چندان دور خیلی زودتر بعلت شکستگی، افتادگی و کهولت از فعالیتهای اجتماعی برکنار میشدند اما در حال حاضر شرایط بهداشتی مناسب باعث شده مدت بیشتری پشت‌صندلی، میزها یا مسئولیتهای اجتماعی خودشان باقی بمانند. هرآینه این وضعیت باعث میشود که نوجوان در یک حالت انتظار بسر برد. انتظاری که خواه ناخواه طولانی‌تر شده و خود میدانید که هر اضطرابی همراه با نگرانی و دلهره میباشد، هرآینه این اضطراب و نگرانی و دلهره با فعالیتهایی همراه است که بصورت رفتارهای تهاجمی در گروههای جوانان بچشم می‌خورد و مسائل جوانان در نسل گذشته یا مسائل جوانان در حال حاضر متفاوت است امنیت اجتماعی در برابر این دونسل در نسل گذشته بیشتر وجود داشته است . یک جوان بیست ساله در آغاز سال ۱۳۰۰ مسئولیت اجتماعی و شغلی داشته همینطور تأمین اجتماعی در حالیکه نوجوان یا جوان دانشجوی امروزی برای بدست آوردن موقعیت احتیاج به دوندگی دارد که باعث اضطراب و دلهره میشود و گاه این اضطراب در رفتارهای ضد اجتماعی تظاهر میکند . از لحاظ بدنی تغییرات و تحولاتی رخ میدهد ولی ما حاصل تأثیر نوجوان از این تغییرات بدنی تنها به جنبه

بدنی محدود نمیشود یعنی آنچه از رشد بچشم می‌خورد یک جنبه ظاهری وسطی این تحول است . در ارگانیزم نوجوان تغییراتی ظاهر میشود که بچشم دیده نمیشود مثلاً اکثر خانواده‌ها باین مسئله اشاره میکنند که نوجوان مرتباً احساس گرسنگی میکند مسئله گرسنگی نوجوانان مسئله تازه‌ای نیست ولی اگر خواسته باشیم همین مسئله را از دید شیمی حیاتی بررسی کنیم دگرگونی‌هایی در ارگانیزم نو- جوانان قابل مشاهده خواهد بود که خواه ناخواه باعث عدم تعادلی در نوجوان میشود حالت قایمی را دارد که ملاحظه کنترل آنرا از دست داده باشد . از لحاظ روانی فقط به دو بعد اشاره کردم یکی بعد هوشی و یکی بعد عاطفی. از لحاظ هوشی همه شما داستانهای عاطفی این دوره را میدانید، ادبیات ما مثل ادبیات ملتهای دیگر مشحون از این مسائل است، ولی توجیه اینکه چرا نوجوان تا این حد مست یا سختگیر می‌شود و یا حالات عاطفی متضاد دارد، بی‌جهت نمی‌گین است و بی‌جهت قهقهه می‌زند، زود فریفته احساساتش میشود، استقلال طلبی و سنت شکنی میکند . توجیه آن از نظر روانشناسی بسیار جالب است و حداقل کاری که میتوان کرد اینست که روش این مسائل را با مسئولین این گروه سنی در میان بگذاریم تا بتوانند رفتار نو جوانان را با دید علمی و منطقی بررسی کنند . مسئله هوشی نکته جالبی است در حدود ۱۴ سالگی هر کدام از ما به عالیترین درجه هوش ممکن خودمان رسیدیم، درست است که بعد از ۱۴ سالگی تجارب ما افزوده میشود ولی هوش ما از سطحی که بوده است بالاتر نمیرود و تجارب را فقط بسود به زیستن بکار می‌بریم ولی توجه داشته باشید نوجوانی که بسن ۱۴ سالگی میرود دیگر آن کودک فرمانبردار ۶ سال پیش نیست و این دلیل منطقی رشد است، بنابراین پدری مادری باید گله کنند از اینکه فرزندش اطاعت و فرمانبرداری نمیکند دلیل تراشی و استدلال میکند تمام اینها راه

منطقی رشد است و باید چنین باشیم اگر کودک ۷ ساله بدون دلیل و پرسش اوامر را اجرا میکند و در ۱۲ و ۱۱ سالگی دلیل دستور را میخواهد راه منطقی است. بنابراین اگر عصیانگری را که از یک دید منفی نگاه میکنید بخواهید از راه تحول روانی نگاه کنید یک ارزش کاملاً مثبت است. عصیانگری یعنی اندیشیدن و اندیشه خود را بکار گرفتن. سنت شکنی یعنی چیزی را که ساخته و پرداخته دیگران است نمی‌پذیریم خود با فکر خودم میخواهم چیز تازه‌ای را عرضه کنم شاید اگر بتوانم این انسان مصرف کننده که دوران کودکی ما را تشکیل میدهد اکنون بیک انسان مولد تبدیل شده است و تولید کردن مستلزم تفکر است از لحاظ اجتماعی بعد سوم را مطرح میکنم. اشاره کردم که مجموعه تغییراتی که در جامعه رخ داده و بخصوص نقشی کسه تکنولوژی در این گسترش روابط انسانها بین یکدیگر داشته است موجب شده که نوجوانی در عصر ما و بخصوص در شهرهای صنعتی و پیشرفته یک فضای نوسانی وسیعتری را ایجاد کند. حالا هر قدر این فضای نوسانی را محدودتر کنید دوره گرفتاریهای نوجوان بیشتر خواهد شد. نوجوان روستائی مادر سن ۱۶ یا ۱۷ سالگی بانوجوان شهری در همین دوره از لحاظ رفتار متفاوت است زیرا جوان شهر نشین تحت تأثیر پدیده‌های صنعتی و وسائل ارتباط جمعی قرار گرفته در نتیجه اندیشه‌گراییها و تمیئاتش بکلی با خواسته‌های یک نوجوان روستائی که در محیط نسبتاً محدودتر با ارتباطهای انسان دقتی‌تری قرار گرفته متفاوت است، نوجوان از لحاظ بدنی در حال نوسان است سالی ۲ تا ۳ کیلو بوزن، ۲ تا ۳ سانتیمتر بقدرش افزوده میشود و این میزان رشد واقعاً استثنائی است، تنها در یک دوره دیگر با چنین رشدی روبرو هستیم و آن دوره تولد تا یکسال یا یکسال و نیم سن کودک است. این سن بسن لباسهای کوتاه معروف است چنانکه لباسهایی که برای بچه‌ها دوخته شده پس از چند ماه کوچک و کوتاه میشود. همین تغییر ظاهری رشد بدنی موجب

میشود نوجوان تعادل خود را از دست بدهد. مسایل روانی و بعد اجتماعی راهمه دیدیم که چگونه بنوجوان اثر میکند. اگر قبول کنیم این شناخت محدود ما برای آغاز بحث در مورد فراغت کافی است باید دید باین موجودی که داریم در حال تحول است چه باید کرد و چگونه میتوان ساعات فراغتش را پر کرد. باید دید اوقات فراغت تا چه حد در پرورش نوجوانان میتواند مؤثر باشد، متأسفانه برنامه‌های آموزشی دبیرستانی ما از این بابت بسیار ناقص است حتی در دوره دبیرستان و بخصوص از سیکل دوم لا اقل دغدغه خاطر برنامه‌های ورودی دانشگاه چنان بر برنامه‌های آموزشی دبیرستانی ماسایه میگستراند که استادان و معلمان در این دوره بسیاری از برنامه‌هایی را که میتواند در پرورش جسمی و روانی نوجوانان مؤثر باشد از برنامه حذف و بجای آن درس تمرین ریاضیات و یا درسهایی که شانس موفقیت در کنکور را افزایش میدهد می‌گنجانند. در مدرسه حتی دو ساعتی که برای ورزش در نظر گرفته شده برنامه اجرا نمیشود بسیاری از اساسی انجمنهایی که گاه در دفترچه راهنمای مدارس گنجانیده میشود و گاه بصورت یک نمودار بردیوار یک اتاق رئیس دبیرستان نقش می‌بندد خالی از واقعیت است انجمنهایی برای پرورش و تلطیف روح و ذوق نوجوانان یا وجود ندارد و یا نقش بر روی یک کاغذ است و متأسفانه برخی از این انجمنها هدف غائی و نهائی تربیت که بوجود آوردن یک انسان متعادل است توجهی ندارد. در این شرایط نقش‌های غیر از مدرسه مطرح میشود که اگر انجمن اولیاء و مربیان یا انجمن همکاری خانه و مدرسه بان توجه نکنند جای تأسف خواهد بود چون معمولاً تمام تقلا و کوشش متوجه اینست که تمام برنامه‌های آموزشی را با تمام برسانیم و تمرینهایی در همین زمینه‌ها انجام دهیم.

در خارج از مدارس والدین و خانواده‌ها یا آنقدر رشد اجتماعی ندارند که گردهم جمع شده جهت رفاه نوجوانان کلوبهای خانوادگی بوجود آورند

و یاد شرایطی نیستند که بتوانند کاری انجام دهند، در نتیجه نوجوانان، در آغاز تعطیلات تابستان بیکار باقی میمانند اوقات فراغتشان خالیست. نوجوانی که خالی از هر نوع فعالیت است در حالیکه وجودش لبریز از نیروی حیات است میخواهد خلاق باشد میخواهد در تماس اجتماعی ارزش برایش قایل شوند مسئولیت اجتماعی را بهعهده گرفته ایده آلی داشته باشد. (زیرا در این دوره زندگی نوجوان یک موجود عاطفی ایده آل پرست است) در آن شرایط تمام محدودیتها باعث میشود از صبح تا شام در زندان خانه باشد و یا اگر سرکش باشد در این زندان را باز کرده فرار میکند که در خیابان کسانی را همدرد خود بیابد. در اینجاست که آنچه را که جامعه بعنوان وسیله پرورش و تربیتی در اختیار داشته و از آن استفاده نکرده افراد غیر مسئول و نوجوانان دردمند گردهم آمده بصورت یک حربه یا وسیله علیه جامعه خود بکار میبرند همه نوجوانان ما چنین وضعی را دارند مثل سیم برق است که در کولر مصرف شود برای رفاه بکار رفته و اگر بصورت لخت وسط سالن بیندازیم خطرناک خواهد بود، این چیزی است که متأسفانه جامعه کمتر بان توجه دارد یا توجه لازم بان مبذول نشده است.

در ایران فعالیتهائی داریم که میتوان در برنامه فراغت نوجوانان گنجاند مثلاً فعالیت پیشاهنگی میتواند تمام احتیاجات نوجوان را از لحاظ کوشش فعالیت بدنی زندگی در فضای باز در بیابان و کار اجتماعی و گروهی خلاقیت و همدردی و انسانیت برآورده سازد. عدهای از این شرایط استفاده میکنند ولی هنوز بسیاری از خانوادهها با کم و کیف مسایل پیشاهنگی آشنا نیستند و اعتمادی ندارند که دختر و پسر خود را به اردوهای پیشاهنگی بفرستند. پیشاهنگی یک وسیله دقیق و خوبی بوده ولی متأسفانه در ایران شاید دقت کافی نشده که از آن استفاده شود و ناگزیر در بحرانی افتاده که باتمام اعتقاد باین مکتب، بازوقتی پای عمل بمیان میآید یک مقدار با تردید همراه میشود.

فعالیتهای ورزشی یکی دیگر از زمینههاست که متأسفانه نه وسایل ورزشی کافی است و نه شرایط تربیتی لازم برای همه موجود است. فعالیت دیگر کتابخانههای عمومی است گرچه در تابستان تعداد مراجعین نسبتاً زیاد شده ولی باز تعداد مراجعین بتعداد کل جوانان و نوجوانان اندک و ناچیز است ولی باز فعالیت سالمی است.

فعالیتهای دیگر در همین زمینه عبارتند از هنر و موسیقی و نقاشی ولی بصورت بسیار محدود و ناقص و نارساست.

در چنین شرایطی برای اینکه بتوانیم از این نیروی خلاق بسود خود و جامعه استفاده کنیم لازم است عدهای دور هم جمع شده و باشگاهها و کلوبهای ورزشی سالمی را بوجود آورند که هدف نهائی آن تهیه وسائل رفاهی و گذران اوقات فراغت دانش آموزان را فراهم کنند.

در این دوره تابستان تنها چیزی که بعنوان وسیله اوقات فراغت در اغلب خانوادهها مورد استفاده قرار میگیرد تلویزیون است تلویزیون که قبلاً فقط شبها از آن استفاده میشده حال در تعطیلات روزها نیز مورد استفاده است. تلویزیون وسیله خوبی است ولی یک شمشیر دولبه است. اگر برنامهها بدون مطالعه انتخاب شود جنبه بدآموزی خواهد داشت و اگر با مطالعه باشد میتواند جانشین بسیاری از کمبودها باشد. با این مشکلات که داریم و باینهمه وسایل که داریم نیروی انسانی در اختیار نداریم. بعنوان پدر و مادر برای نوجوان خود چه باید کرد. با محدودیت جغرافیائی و محدودیت فضای سکونت در تهران کارهای سادهای را میتوان انجام داد. میتوان یک نمودار زمانی از یک بچه یکسال و نیمه یا دوساله که میتوان خواندن کتاب را با او شروع کرد و جوان ۱۶ ساله در حد خانواده ترسیم کرد، برای کودکان ۱/۵ سال تا ۶ ساله علاوه بر بهداشت غذایی بسیاری کارهای ساده را میتوان شروع کرد. دفترچههای تصویری بدون نوشته کودک را یا کتاب آشنا

میکنند و عادت کتاب خواندن را دراو پرورش میدهد .

وسایل ساده کم خرج مانند خمیرهای بازی درحد معمول یک خانواده خرج کم وسازنده است. وسایل نقاشی ساده که وقتی کودک باقلم موی سرطوب آنرا نقاشی میکند رنگها متنوع ظاهر میشود. بازیهای ساختمانی که بعضی انواع آن پلاستیکی است ابتکاروسازندگی کودک را پرورش میدهد کودک درآن واحد ضمن بازی دستها وذهنش را بکارمیگیرد ظاهرا وسایل خیلی ساده وسطحی است ولی میتواند طی برنامه ای مداوم برای پرکردن ساعات فراغت کودک مورد استفاده قرارگیرد و میتواند از تربیت بعد از خرابکاری کودک که معمولا در خانواده ها مرسوم است جلوگیری کند زیرا نیروئی که میتواند سازنده و خلاق باشد وقتی بدون مطالعه و بدون برنامه رها شود خطرناک است .

در حد بچه های دبستانی با امکانات کنونی کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان کتابهای خوبی وجود دارد بسیاری ازاین کتابها ونشریاتی که مانند پیک نشریه اداره انتشارات آموزش و پرورش (که یکدوره نشریه از دوره کودکستان تا سطح نوجوانان دارد) میتواند خلا تابستان بچه هارا پرکند. ولی بسیاری کتابها هستند که شما پدر و مادر بعنوان والدین باید برنامه ای بگذارید که آنها را برای فرزندان تابستان بخوانید. برنامه ای بابچه های خود در پارکهای نزدیک ترتیب دهید بافرزندانان بگردش و صحبت پردازید و باین مسئله توجه داشته باشید که آن نوع پرورش را که در دوره تابستان برای فرزندان فراهم میکنید اگر چه هیچ گونه رابطه ای باکتاب درسی ندارد میتواند پایه محکمی برای شروع سال تحصیلی باشد باید باین نکته اشاره کنیم که بیشتر معلمین و پدران ومادران تعطیلات تابستان را بعنوان کمک درس برای بیشتر بالابردن سطح آموزشی فرزندان خود

برای سال آینده میگذرانند که کاملا بی مورد است بخصوص اگر علاقه ای از طرف کودک ابرازنشود جز دزدگی در کودک انگیزه ای را بوجود نمیآورد زیرا دراو این فکر بوجود میآید که درس یک تحمیل است چیزی را که باو میآموزید خوب یاد نمیگیرد وقتی هم بمدرسه میرود به تصور آنکه درس را میداند از یادگیری آن خودداری میکند درنتیجه برخلاف تصور نوسانی که بوجود آمده باعث عدم پیشرفت کودک میشود .

بنا براین پیشنهاد میشود بیشتر برنامه های آموزشی غیر مستقیم بجای آموزش مستقیم اجرا گردد. در مورد نوجوانان توصیه میشود در خانواده وسایلی فراهم آورید که فرزندان فامیل باهم گفت و شنودی داشته باشند اگر امکان داشته باشد اطاقی برایشان در منزل در نظر بگیرید تابکار و بحث و تبادل نظر پردازند البته باسرپرستی غیر مستقیم بصورت خیلی روشن و خیلی دقیق، شما میتوانید بعنوان پدر یا مادر بجرگه دوستان فرزندان خود وارد شوید و چند دقیقه ای را با آنها بگذرانید. در شرایط موجود امکانات عملی بعضی از خانواده ها ترتیب دوره یاسافرتها کوتاه است ولی اگر حداقل نتیجه بحث این باشد که برنامه نویسی اوقات فراغت هم جزئی از برنامه های تربیتی است میتواند کافی باشد نمای مشترک برای نوجوانان عقل و منطق نیست بلکه عاطفه واحساس است نوجوان بمرحله کمال عملی که ترکیب تجارب هوش است نرسیده ولی هوش نوجوان بحد کمال رسیده از درك خود نمیتواند باندازه کافی و بطور کامل استفاده کند در سایل بیشتر از آنکه عمقی باشد بظاهر توجه دارد(به علل توجهی ندارد) نوجوان یک موجود عاطفی است که عواطفش هنوز شکل نکرده است حالت عاطفی نوجوان ناپایدار است .